

جهان نما

کنگره برای کنترل پزیدنت وارد عمل شود هشدار بلومبرگ برای پاکسازی پنتاگون توسط ترامپ

برنامه‌دونالد ترامپ‌برای حذف عمده مقام‌های ارشد غیرنظامی در وزارت دفاع آمریکا قطعاً آن کودتای در دست انجمنی که بر خی منتقدان او مدعی شده‌اند، نیست. با این حال، این پاکسازی تهدید تحمیل ویرانی پایدار روی امنیت ملی آمریکا را به دنبال دارد، مگر اینکه کنگره برای کنترل این رئیس‌جمهوری وارد عمل شود. به گزارش بلومبرگ، اخراج پسا انتخاباتی مارک اسپر، وزیر دفاع آمریکا به دستور ترامپ اصلاً دور از انتظار نبود. اسپر علناً پیشنهادهای ترامپ برای استقرار نیرو برای سرکوب ناآرامی داخلی در تابستان مخالفت و از تغییر نام پایگاه‌هایی که نام ژنرال‌های ارتش کنفدراسیون را به دوش می‌کشند، حمایت می‌کرده؛ ایده‌ای که با نظر رئیسش کاملاً متفاوت بود. کاخ سفید همچنین بارد سیاست نظارتی و اطلاعاتی مقام‌های اسپر، افراد شدیداً وفادار به ترامپ را جایگزین آنها کرد. آشکار نیست که هدف از این پاکسازی، جز فرصتی برای ترامپ به منظور کسب امتیازات شخصی و فرصتی برای متحاندانش برای پر کردن رزومه کاری خودشان، چه می‌تواند باشد. این احتمال که این مردان رئیس‌جمهوری بتوانند دستوری به ارتش یونینفرم پوش برای مداخله به منظور نگاه داشتن ترامپ در جایگاهش دهند، بسیار دور از ذهن است. ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا بارها گفته است ارتش هیچ نقشی در انتخابات آمریکا ایفا نمی‌کند و فرماندهان ارشد قطعاً دستورات غیرقانونی تبعیت نخواهند کرد. کریستوفر میلی، جایگزین اسپر در ریاست پنتاگون، از کهنه‌سربازان نیروهای ویژه است که بدون شک با هر نوع تلاش رئیس‌جمهوری آمریکا برای سوءاستفاده از نظامیان برای اهداف سیاسی مخالفت خواهد کرد. با این حال، تا حدی نگرانی قابل توجیه است. این تغییر و تحولات، رقابت بی‌پروای دولت ترامپ برای خارج‌سازی نظامیان آمریکایی از ماموریت‌هایی در سراسر جهان را شتاب داده است. ترامپ در ۱۷ نوامبر به پنتاگون دستور داد تا تاریخ ۱۵ ژانویه، شمار نیروها در عراق و افغانستان را به ۲۵۰۰ تن برساند که این کاهش از ۲۵۰۰ نیرو در افغانستان و ۳۰۰۰ نیرو در عراق است. این خطر بی‌ثبات‌سازی در آن دو کشور را به همراه دارد، و نیروهای باقیمانده را با خطر بیشتر مواجه می‌سازد، نقض آرزوهای متحدان ناتوی آمریکا ست و دولت جو بایدن را از طریق کاهش برتری مقابل دشمنان آمریکا تضعیف می‌کند.



در همین حال، آشوب درون زنجیره فرماندهی ممکن است توانایی پنتاگون را در پاسخ به بحران غیرمنتظره ناشی از یک قدرت خارجی یا یک سازمان تروریستی به خطر بیندازد. با برکناری رهبران ارشد این وزارتخانه و ترامپ که عمدتاً از مسئولیت فرماندهی کل قوا جدا شده است، افراد تازه وارد ممکن است بی‌قیدی بیشتری در سیاستگذاری منفرد و یک‌جانبه داشته باشند و حتی در بدترین سناریو، مجوز اقدام نظامی علیه ایران را بدهند؛ چشم‌اندازی که گفته می‌شود ترامپ از زمان شکست در انتخابات مورد بررسی قرار داده است. در حالی که انگیزه‌های اصلی پشت این پاکسازی ترامپ در پنتاگون همچنان نامشخص است، رهبرانی از دو حزب باید با احتیاط پیش بروند. جمهوری خواهان عضو کنگره باید به کاخ سفید هشدار دهند که بیش از این در بی‌ثبات‌سازی رهبری امنیت ملی این کشور اقدام نکنند. آنها همچنین باید خواستار اطمینان بخشی علنی ترامپ با رابت او بر این، مشاور امنیت ملی او شوند که این دولت قصد اخراج ژنرال میلی، روسای قوای نظامی یا سران فرماندهی جنگی را ندارد. دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا هم در صورتی که به نظر رسید منصوب‌های جدید به نوعی از طرف رئیس‌جمهوری قصد سوء رفتار دارند، باید خواستار شهادت یا دریافت اسناد مرتبط شوند. تا همین تابستان، وزارت دفاع آمریکا عمدتاً از لطماتی که حمله چهار ساله ترامپ به نهادهای دولتی موجب شد، در امان مانده بود.

رئیس‌جمهوری آمریکا اکنون این پیام را ارسال کرده که پنتاگون هم در معرض دمدمی مزاحی او قرار دارد. کنگره نباید چنین چیزی را تحمل کند.

نمایش تفاهم!

مبادله پیام‌های صلح‌آمیز ملک‌سلمان و اردوغان خبرساز شد؛



فرشاد گلزاری

مسئاله رقابت میان کشورهای اسلامی از گذشته تاکنون در دو بخش خاومیهانه و حاشیه خلیج فارس با موضوعات و در قالب روندهای مختلف جریان داشته و حالا هم به نوعی دیگر در حال مشاهده این تقابل یا یکدیگر هستیم. آنچه در این میان به نوعی باعث تغییر روند مذکور شد، تحولاتی بود که در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی در قالب «بهار عربی» یکبار به عرصه سیاست بین الملل ظاهر شد و به نوعی موجب ایجاد گسست‌های سیاسی -ایدئولوژیک شد. این گسست‌ها به یک بهم ریختگی آشکار منجر شد که در نهایت قطب‌بندی‌های جاری در مقیاس منطقه‌ای را تشدید بدون تردید در رأس این قطب‌بندی‌ها عربستان سعودی که حامل ایدئولوژی وهابی است و خود را به عنوان قبیله مسلمانان به دنیا معرفی کرده، مهمترین بازیگر به حساب

می‌آید که امروز هم به دنبال آن است تا به هر ترتیب که شده جایگاه قبلی خود را مجدداً احیا کند. این کشور تنها جریان مذهبی قالب در منطقه تا سال ۲۰۱۰ به شمار می‌آمد که تمام دولت‌های حاشیه خلیج و حتی دولت‌های مستقر در شمال آفریقا از سیاست‌های او تبعیت می‌کردند. ریاض در این میان توانست امارات متحده عربی و بحرین را با خود همراه کند و دلیل اصلی این اقدام را باید نخست در مصر و پس از آن در سوریه و سایر کشورهای بررس کرد. زمانی که حسنی مبارک، رئیس‌جمهوری پیشین مصر در جریان انقلاب سال ۲۰۱۱ میلادی با مشکل روبرو شد و تن به کناره‌گیری داد، سعودی‌ها و در کنار آنها اسرائیل به شدت از اوضاع و احوال آن هنگام نگران شدند. دلیل اصلی این نگرانی روی کار آمدن «محمد مرسی» از جناح‌آخوان المسلمین بود که سیاست‌های او قیقا بر خلاف عربستان و رژیم صهیونیستی بود. اما نگرانی دوم که تاحدودی عربستان را به ستوه آورد، ورود تر کیه به معادلات قاهره و حمایت از

مُرسی بود. به زبان گویاتر معادلات مصر بود که باعث ایجاد اختلاف میان آنکارا و ریاض شد و اوضاع و احوال تا جایی پیش رفت که سعودی‌ها تمام تلاش خود را کردند تا بتوانند مُرسی و تیمش را راهی زندان کنند و اتفاقاً در این راه موفق شدند. سعودی‌ها با حمایت از «ژنرال عبدالفتاح السیسی» او را به قدرت رساندند و همین موضوع باعث شد تا اسرائیل هم از کنار زن‌آخوان المسلمین هماهنگ با آنکارا احساس امنیت بیشتری کند. پرونده بعدی که به نوعی موجب شد تا عربستان و امارات دست به ماجرایی بزنند، سوریه بود. این دو کشور با هزینه‌های بسیار زیاد و آتش زدن پترودلارهای خود در حمایت از جریان‌های تروریستی عملاً -سوریه را به میدان جنگ قرن بیست و یکم تبدیل کردند. در سوی دیگر این معادله قطر هم با هزینه‌های هنگفت به دنبال آن بود تا بتواند از یک سوریه برای خود قطعه‌ای بزرگ و خوش آب و رنگ دست و پا کند. دوحه در این مسیر به دنبال تزییق ایدئولوژی خود بود و سعودی‌ها متوجه شدند که اگر

ریاض به هیچ وجه از وضعیت فعلی و اقدامات آنکارا راضی نیست و اخیراً هم شاهد آن بودیم که مقامات عربستان دستور تحریم کالاهای ترکیه را صادر کردند که برای اردوغان و تیمش از حیث اقتصادی بسیار گران تمام شده است

قطر برنده این میدان شوند، مجدداً باید با تفکر اخوانی روبرو شوند. بر این اساس بود که ترکیه با بهانه تأمین امنیت ملی خود وارد مرزهای شمالی سوریه شد و به صورت کاملاً آشکار به مداخله در امور این کشور پرداخت. ورود تر کیه به عنوان ارتش دوم ناتو و همچنین حضور ایران و روسیه به عنوان متحد دمشق، معادلات را تغییر داد و در اینجا نبود که آنکارا سوریه خارج کند.

حمله به منافع ریاض در شمال آفریقا

در شمال آفریقا و به خصوص در لیبی هم، چنین اتفاقی رخ داده است. ترکیه با حمایت از دولت وفاق ملی لیبی که رهبری آن را «فائز السراج» در دست دارد و بر ساحل و مناطق غربی این کشور حکومت می‌کند، علناً مقابل ارتش آزاد لیبی به فرماندهی «ژنرال خلیفه حفتر» قرار گرفت که در شهر طبرق (واقع در شرق لیبی) واقع شده و مورد حمایت امارات و عربستان قرار دارد. پرونده دیگر، ورود و مداخله تر کیه در معادله قره‌باغ به نفع جمهوری آذربایجان بود که این موضوع منافع زیادی برای آنکارا از حیث اقتصادی، سیاسی و خصوصاً تسلیحاتی -نظامی دارد و از منظر سعودی‌ها، تر کیه با این کار می‌خواهد آمایش مذهبی مسلمانان قفقاز را به نفع خود تحت تأثیر قرار دهد. اما آنچه در این میان بسیار مهم است، احساس خطر پادشاهی عربستان از ورود احتمالی تر کیه به یمن است.

این مولفه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که سعودی‌ها به هیچ وجه از وضعیت فعلی و اقدامات تر کیه راضی نیستند و به تازگی هم مقامات ریاض دستور تحریم کالاهای ترکیه را صادر کرده‌اند که برای اردوغان و تیمش از حیث اقتصادی بسیار گران تمام شده است. اما نکته اصلی دیگر این است که اخیراً یاسین اوکتای، مشاور سیاسی اردوغان و یکی از نزدیک‌ترین شخصیت‌ها به او، مقاله‌ای برای روزنامه «ینی شفق» وابسته به حزب حاکم تر کیه نوشته است که به سرعت در تمام پایگاه‌ها و دستگاه‌های اطلاع‌رسانی حامی دولت تر کیه باز نشر شد. این مقاله با بیان اینکه «یا تر کیه همانطور که لیبی و آذربایجان را نجات داد، برای نجات یمن هم از راه «طوفان قاطعیت» وارد عمل خواهد شد؟»، پیام تهدیدآمیز و بسیار خطرناکی برای عربستان و امارات بود؛ چرا که مداخله آنکارا در یمن تمام معادلات سیاسی و نظامی را در آنجا تغییر می‌دهد، به ویژه اینکه تر کیه به دلیل مداخله‌های نظامی اش در لیبی، سوریه، سومالی و اخیراً آذربایجان مهارت‌های بزرگی در عرصه میدانی به دست آورده است. این مسائل را اگر کنار

خبر

غنی در نشست ژنو: افغانستان کمک خیریه نمی‌خواهد



جمهوری افغانستان صحبت خواهند کرد. غنی دیروز در یک نشست حاشیهای گفت که رویای افغانستان این است که به چهارراه منطقه تبدیل شود. او همچنین بر اهمیت تاریخی جغرافیایی افغانستان برای اقتصاد منطقه اشاره کرد. غنی یکبار دیگر اعلام کرد که اجتماع منطقه‌ای قوی برای دستیابی به یک صلح پایدار در افغانستان مهم است. او با اشاره به موقعیت افغانستان خواستار سرمایه‌گذاری هدفمند در این کشور شد.

محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان در یک سخنرانی در بخش مقدماتی نشست ژنو در مورد راه‌های توسعه اقتصادی کشورش حرف زد و تأکید کرد که افغانستان از جامعه جهانی کمک خیریه نمی‌خواهد بلکه اتصال می‌خواهد.

به گزارش بی.بی.سی، نشست ژنو درباره افغانستان با حضور نمایندگانی از ۷۰ کشور جهان و ۳۰ سازمان بین‌المللی در شهر ژنو دوشنبه، ۲۳ نوامبر، با سخنرانی محمد حنیف اتمر، وزیر خارجه افغانستان رسماً آغاز شد. نشست رسمی حاشیهای روز گذشته (دوشنبه) در نخست با موضوع آوردن صلح پایدار آغاز شد. ریاست تاریخى جغرافیایی افغانستان برای اقتصاد منطقه اشاره کرد. غنی یکبار دیگر اعلام کرد که اجتماع منطقه‌ای قوی برای دستیابی به یک صلح پایدار در افغانستان مهم است. او با اشاره به موقعیت افغانستان خواستار سرمایه‌گذاری هدفمند در این کشور شد.

سازکوزی برای محاکمه به دادگاه می‌رود

نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور اسبق فرانسه روز گذشته (دوشنبه) در ارتباط با اتهام تلاش برای رشوه دادن به یک قاضی و همچنین اعمال نفوذ در دادگاه محاکمه می‌شود؛ یکی از چند پرونده تحقیقات قضایی که تهدید رسوایی را علیه چند دهه حرفه سیاسی او در بردارند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، دادستانها سارکوزی را متهم کرده‌اند به اینکه به قاضی ژیلبر آزبیر، وعده شغلی آسان و پر درآمد در موناکو را در ازای اطلاعات محرمانه تحقیقات مربوط به پذیرش پولهای غیرقانونی لیلیان بنتکور، مالک شرکت اورئال توسط سارکوزی برای

کمپین انتخاباتی ۲۰۰۷ داده بود. سارکوزی که از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور فرانسه بود ارتکاب هر گونه خطا در تمامی تحقیقات مطرح شده علیه خود را رد کرده و شدیداً برای لغو این پرونده‌های قضایی مبارزه می‌کند. بازرسان همچنین مشغول شنود مکالمات میان سارکوزی و وکیلش «تی‌بری هرترزگ» در ضمن بررسی حمایت‌های مالی از جانب لیبی در کمپین ۲۰۰۷ سارکوزی بوده‌اند.

